



# سندرم های معاملاتی

نویسنده : محمد حق وردی

1396



## پیشگفتار:

پس از سال ها تجربه شخصی در مدیریت دارایی های سهام و برگزاری دوره های متعدد با افراد شکست خورده و زیان دیده ی زیادی مواجه شدم که اغلب دارای درد مشترکی به نام تلخی زیان بودند اما این معضلات ریشه در شخصیت درونی این افراد و حتی مشاغلی که با آن روزگار گذرانده اند داشت ، اغلب آن ها قواعد موفقیت آمیزی که در کسب و کار خویش داشتند را به بازار سهام نیز تعمیم می دادند و فکر می کردند راهی که در کسب و کار آن ها موفقیت آمیز بوده لزوما می تواند در خرید و فروش سهام نیز صادق باشد و همیشه نیز بابت این طرز تفکر ضربات عمیقی خورده اند بدون اینکه ریشه یابی حقیقی کرده باشند با یک نگاه حق به جانب همه چیز را تقصیر اقتصاد بیمار و ناکارآمدی بازار و این قبیل بهانه ها می انداختند و از بازار خارج می شدند.

در این مقاله سعی شده عمده ترین این معضلات معاملاتی را تحت عنوان سندرم های معاملاتی را شناسایی کرده و در اختیار عموم قرار دهیم . به منظور به حافظه سپاری بهتر مطالب سعی شده گاهی از القاب و مشاغلی که مشابه آن معضل معامله گری را دارند استفاده شود و پیشاپیش از تمام شاغلان نام برده در این سندرم ها بابت هر گونه سوتفاهم احتمالی عذر خواهی می کنیم.

محمد حق وردی

لازم به ذکر است این مقاله قرار بود ابتدا به صورت فایل متنی در نوروز 96 به عنوان عیدی به مخاطبان بازار ارائه شود ولی از آنجا که در زمان مقرر به دلیل حساسیت بیشتر بر کیفیت مقاله که روز به روز توسط نویسنده بیشتر می شد این مقاله آماده نشد و سپس در خرداد ماه سال 96 هر هفته در (( هفته نامه بازار امروز)) یک قسمت آن چاپ و در اختیار مخاطبان بازار قرار میگرفت و در حال حاضر نسخه یکجای این مقاله بعد از چاپ کامل در هفته نامه تقدیم حضور شما مخاطبان عزیز قرار گرفته است.



## سندرم های مشاغل :

- سندرم خلبان
- سندرم کاسب
- سندرم دوره گرد
- سندرم کارمند بانک

در این قسمت به بررسی 4 تیپ سرمایه گذاری از دیدگاه چهار شغل مختلف می پردازیم. ممکن است شما نیز هر چهار سندرم فوق را کم و بیش در معاملات خود تجربه کرده باشید :



### 1- سندرم خلبان :

در بین همه خلبان ها یک جمله و اصطلاح معروف وجود دارد : (( پرواز و برخاستن از زمین اختیاری است ، اما فرود اجباری )) . همین اصطلاح در معاملات این افراد حالتی کمال گرایانه را به وجود آورده است که گمان کنند لزوما اولین اشتباه می تواند آخرین اشتباه باشد و همیشه سعی در مقابله با اشتباه داشته باشند و اصولا اعتقادی به پذیرش اشتباه و حد زیان نداشته باشند . افراد مبتلا به سندرم خلبان معتقدند اشتباه در معامله به هیچ وجه پذیرفتنی نیست چون تصورشان این است همان گونه که در پرواز اگر اشتباهی رخ دهد می تواند منجر به سقوط و ویرانی شود ؛ در بازار نیز اگر اشتباهی مرتکب شوند لزوما دیگر پایان راه است و خود را شکست خورده تصور می کنند . این سندرم به هیچ وجه حد ضرر را قبول ندارد و لزوما همیشه سعی در جبران



اشتباه به واسطه میانگین گیری های متعدد و نگه داری بیش از حد سهم و عدم قائل شدن مرزی برای اشتباه خود به نام (حد ضرر) می باشند غافل از اینکه ضرر و زیان جزئی جدانشدنی از ذات بازار است .

معامله گر موفق کسی است که اشتباهش را بپذیرد نه آن که بر اشتباه خود اصرار ورزد .

### تجویز مربی معاملات :

افراد مبتلا باید بپذیرند همان گونه که در بازار اصطلاحاتی به عنوان سود ، مجامع سالانه ، افزایش سرمایه شرکت ها و ... مرسوم است زیان نیز به عنوان یکی از عناصر جدانشدنی از بازار است که اتفاقا پذیرش زیان ها اصلا کار اشتباهی نیست بلکه خیلی از مواقع موجب سودآوری بیشتر از طریق عدم پرداخت هزینه فرصت، عدم خواب سرمایه ، جلوگیری از زیان های مهلک غیر قابل جبران و حفظ بالانس روانی معاملی گر بعد از پذیرش اشتباه می شود. اگر حد زبانی برای اشتباهات خود قائل نشوید یعنی عملا اختیار سرمایه خود را به زیان ها سپرده اید در صورتی که شما باید کاملا زیان ها را تحت سلطه داشته باشید مخصوصا در بازارهای ریزشی و نزولی . (( حد زیان همان چتر نجات شماست ))



### 2- سندرم کاسب :

کاسب تخفیف می دهد اما زیر قیمت خرید خود نمی فروشد . شاید خیلی از شما روزانه با انواع کسبه ارتباط داشته باشید. نکته ای که قطعاً همگی با آن مواجه شده اید این است که کاسب ها در مواقع چانه زدن مشتری و درخواست تخفیف معمولاً فاکتور خرید جنس را نشان می دهند یا می گویند قیمت خرید خودم این قدر است و این یعنی حاشیه ذهن مشتری را به سمتی بالاتر از آن قیمت مطلوب خود هدایت می کنند و مشتری می فهمد که زیر این قیمت معامله امکان پذیر نیست. کاسب های عزیز اگر در کسب و کار خودتان این گونه رویکردی دارید اصلا ایرادی



ندارد چون آن قدر صبر می کنید تا بالاخره در یک حراج قیمتی تمام اجناس به فروش می رسد بدون هیچ زیانی ؛ اما اگر به سهام داخل سبد خودتان نیز دید کالا یا جنس را دارید سخت در اشتباهید ! اغلب با یک جمله بسیار غیر کارشناسی و عوامانه در بازار مواجه شده ام که می گویند : (( آن قدر سهم را نگه می داریم تا بالاخره به سود برسیم)). یعنی عملاً فاکتور زمان را موجب افزایش نرخ می دانند که این در تمامی موارد صادق نیست. شاید سهمی با نسبت پی به ای پنج بتواند در صورت حفظ سودسازی در عرض پنج سال شما را به اندازه کل سرمایه تان به سود برساند اما سهام زیادی در تاریخچه معاملات وجود دارند که از قله های خود آن قدری ریزش داشته اند که شاید قیمت فعلی آن ها بدون احتساب هیچ افزایش سرمایه ای کمتر از ده درصد قیمت قبل باشد که عملاً برای جبران و رشد به قیمت سابق باید 900 درصد رشد داشته باشد .

### تجویز مربی معاملات :

به اوراق سهام خود به دیدگاه یک کالا نگاه نکنید. زمان قرار نیست همه چیز را جبران کند. کالا و اجناس عملاً با گذشت زمان و پدیده تورم بالاخره ممکن است با نگه داری از لحاظ اسمی به سود برسند اما در بازار بورس این گونه نیست و حتی گذر زمان باعث زیان بیشتر نیز شده است. همواره سعی کنید با ابزارهایی مثل حد ضرر ، کنترل ریسک پورتفولیو و تشکیل سبد سهام ، حد ضرر زمانی ، شرایط را تحت کنترل داشته باشید و همه چیز را به گذر زمان نسپارید...

ادامه سندرم ها صفحه بعد





### 3- سندرم دوره گرد :

((دوره گرد بیچاره ای که هر روز برای کسب روزی همان روز خود به بازار می رود تا با فروش خنزر پنزرهايي امرارمعاش همان روز را به دست آورد.)) چقدر این حالت در بازار سهام آشناست ؛ همه معامله گرانی که اصرار دارند هر روز در بازار معامله داشته باشند و به ترید اعتیاد دارند ولو به قیمت کسب سود دو درصدی حاضرند حتی زیان ده درصدی هم متحمل شوند.

این دسته از مبتلایان به ((سندرم دوره گرد)) احساس می کنند هر چه بیشتر در بازار حضور داشته باشند سود بیشتری کسب می کنند و اگر حتی یک روز معامله ای نکنند حس عذاب روان دارند که امروز چه فرصت هایی را از دست دادم؟! عملا این نوع ترید کردن بسیار مورد تشویق کارگزاران آن ها قرار می گیرد به منظور پرداخت کارمزد بیشتر. باز کردن یک معامله به قصد یک سود ناچیز دو یا سه درصدی عملا یک پارامتر مدیریت سرمایه ای به نام نسبت ریسک به پاداش را زیر پا می گذارد یعنی برای یک سود(پاداش) دو درصدی تحمل ریسک یک زیان ده درصدی را هم فرد مبتلا به سندرم دوره گرد می پذیرد.

### تجویز مربی معاملات :

این را بدانید که تمام موقعیت ها و سودهای بازار برای یک نفر نیست . لازم نیست دست و پا بزنید تا تمام موقعیت ها را بگیرید. شما فقط کافی است موقعیت های مناسب تر را از سایر موقعیت های ریسکی تمیز دهید. اگر صد معامله ی پنج درصد سود داشته باشید در مقایسه با پنج عدد معامله ی پنج درصد سود باز هم در نهایت سرمایه شما همان پنج درصد رشد می کند نه بیشتر(در یک بازه زمانی برابر) با این تفاوت که هر چه تعداد معاملات بیشتر شود احتمال خطای انسانی بسیار افزایش می یابد و در حقیقت ریسک بیشتری می پذیرد.



بزرگترین معامله گران دنیا شاید حتی در سال چهار بار بیشتر معامله نکنند و با همان چهار عدد معامله بار خود را ببندند.



#### 4- سندرم کارمند بانک :

اگر با یک کارمند بانک در مورد مدل یک سرمایه گذاری و کسب و کار جدید به گفتگو بنشینید اولین کاری که آن کارمند انجام می دهد مقایسه ی مداوم سود آن کسب و کار با بهره ماهانه ی دریافتی بدون ریسک از بانک است. برای مثال اگر به آن ها بگویید رستورانی را می خواهم تاسیس کنم می گویند یکسال اول که بیست درصد عقب هستی تا جا بیفتی ولی در بانک برای سال اول بیست درصد بدون هیچ ریسکی عایدت می شود. همواره این دسته افراد همه چیز را با آن سود بدون ریسک بانکی می سنجند که البته تا یک مقدار اولیه قابل قبول است اما اگر این طرز فکر به طور دائم و سندرم در وجود شخص بنشیند او را از سودهای بزرگ بازارهای پر ریسک مثل بازار سرمایه یا سایر بازار ها محروم می سازد.

بعضا در معاملات شخصی خودم مواقعی وجود داشته که بر روی یک سهم تا یکسال زمان نگه داری هم تجربه کرده ام چون از اول استراتژی بلند مدتی و چشم انداز مثبتی نسبت به آینده ی آن سهم در ذهن خود داشته ام و در طی این نگه داری حتی با افت سرمایه و از طرفی خواب سرمایه و هزینه فرصت هم سر و کار داشته ام اما در هنگام زمان موعود چند برابر سودی که بانک قرار بوده در طی این مدت ها بپردازد را ذخیره سود کرده ام.

#### تجویز مربی معاملات :

افراد مبتلا به این سندرم باید در نظر داشته باشند که مقایسه بازار بورس با بانک به صورت خطی و دید ماهانه کاملا اشتباه است ؛ چون از طرفی در بورس کشوری مثل ایران پنجشنبه و جمعه ها تعطیل می باشد و جدای از این در ماه یکی دو روز تعطیلی رسمی را می توان پیدا کرد. اگر به طور خلاصه بخواهیم بررسی کنیم عملا یک ماه تقویم بورسی معادل تقریبا 19 روز کاری می باشد در صورتی که در بانک حتی به روزهای تعطیل هم سود تعلق می گیرد . در همان 19 روز کاری بورسی نیز شاید فقط 4 روزش فرصت طلایی برای معامله باشد . پس در



حقیقت این دو بازار از لحاظ میزان ریسک ، بازده و مهارت کاملا متفاوت می باشند و اصلا قابل مقایسه نمی باشند . افراد مبتلا به این سندرم باید بدانند که لزوما کارمند بانک بودن به معنای اقتصاد دان بودن نیست.

حال پس از بررسی سندرم های مشاغل به بررسی سایر سندرم ها می پردازیم :



### سندرم بدهکار :

افراد مبتلا به این سندرم همیشه گرفتار اعتبارات فریبنده ی کارگزاران و پول قرضی از سمت خانواده و دوستان می باشند و همین بدهی در معامله بالانس روانی معامله گر را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد.

متأسفانه بعضی سودها در بازار نه تنها مسموم هستند بلکه از زیان هم آثار مخرب تری دارند به این شکل که در بازارهای صعودی فرد پس از چند معامله ی سود ده ، احساس اعتماد به نفس بیشتری کرده تا حدی که اقدام به افزایش حجم معاملات از طریق منابع استقراضی مانند اعتبارات و پول قرض کردن از نزدیکان می کند و دقیقا زمانی که ورق بازار بر میگردد ، این افراد مقداری از سودها و سرمایه هاشان را از دست داده ، بالانس روانی شان به شدت تضعیف گشته و شروع به معاملات پر ریسک و حساس می نمایند ؛ که در این صورت معامله گر بسیار شکننده خواهد بود.

### تجویز مربی معاملات :

همیشه طوری معامله کنید که هیچ سودی شما را بیش از حد خوشحال ، و هیچ زیانی شما را بیش از حد متاثر نکند.

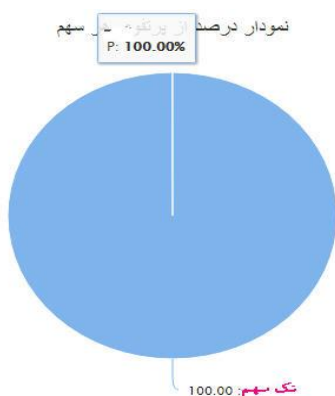
به یاد داشته باشید که سرمایه اصلی شما پول نیست بلکه استراتژی و بالانس روانی معاملات است که منجر به خلق یک روند سود ساز مداوم می شود و بدهی دقیقا همان چیزی است که شما





را از تصمیم گیری های منطقی باز می دارد . وجود معاملات اعتباری تنها در صورتی مفید است که شما یک معامله گر منطقی و مسولیت پذیر باشید که البته این حس نباید کاذب باشد. یک ضرب المثل خارجی در این زمینه وجود دارد : "برندگان دنیای امروز ، در زنجیرها اسیر نیستند ؛ در بدهی هایشان اسیرند"

## سندرم تک سهم :



برخی از معامله گران نوپا عقیده دارند که اگر کل سرمایه خود را معطوف به یک سهم خاص کنیم و با تمام سرمایه روی یک سهم (به اصطلاح تک سهم) سرمایه گذاری کنیم بازدهی بیشتری خواهیم داشت . این جمله تازه شروعی برای یک باخت بزرگ در آینده است. قسمت مهلک ماجرا دقیقا جایی است که یک یا دو بار هم تصادفی سودهای شیرینی هم از این استراتژی ببرند (سودهای مسموم). این افراد رفته رفته خود را برای یک شکست بزرگ آماده می کنند. حال اگر بخواهیم یک موشکافی علمی در مورد این پدیده داشته باشیم فرض را بر این می گذاریم که انتخاب سهم کاملا با علم و درایت خاص انجام شده باشد و فرد ایمان کامل به آن شرکت دارد و تا اینجا حق به جانب اوست. این اطمینان خاطر باعث ایجاد اعتماد به نفس بالا در فرد می شود تا جایی که اقدام به تک سهم شدن می نماید ، تا اینجا همه چیز خوب پیش می رود تا اینکه یک ریسک غیر سیستماتیک نظیر آتش سوزی یا هرگونه بلای طبیعی رخ می دهد و قطعا بر کسی پوشیده نیست که اگر این احتمال ضعیف باشد ، اما غیر ممکن نیست. یا برای مثال ریسک محتمل تری را بیان می کنیم: ریسک توقف نماد که تا به حال اکثر سهامداران خواسته یا ناخواسته این تجربه را داشته اند به مدت طولانی. مثال بارزی که همیشه در کلاس های آموزشی خودم به معامله آموزان یادآور میشم دو سهم پیام و آزمایش هست. اوایل



دهه 80 این دو شرکت به علت شفاف سازی متوقف شدند ، دقیقا در اوج خوشنمایی و سودهای نجومی فراوان.

توقف این دو نماد به علت اختلاف نظر ریاست جمهوری به مدت 8 سال طول کشید و سپس با سود ناچیز ( کمتر از بازدهی بانک) بازگشایی شدند. افراد مدعی زیادی را در این دو نماد میشناسم که تک سهم شده بودند و حتی برخی از آن ها سودهای خوبی نیز برده بودند و مجدد تک سهم می شدند اما در طی این 8 سال عملا نابودی روحی و روانی و کسب بازدهی بسیار کمتر از بانک را تجربه کردند. این فقط یک نمونه عبرت آمیز از این بازار است که من را یاد جمله ی معروفی می اندازد:

(( بازار همیشه آماده است تا به معامله گر مدعی درس های جدیدی بدهد.))

### تجویز مربی معاملات :

هیچ گاه بیش از درصد مشخصی از سرمایه خود را روی یک سهم سرمایه گذاری نکنید. این درصد مشخص برای هر تیپ سرمایه متفاوت می باشد که بر اساس فرمول های مدیریت سرمایه قابل محاسبه است. حتی اگر کارخانه پدرتان در بورس عرضه شد تک سهم نشوید .. شاید این قواعد در ابتدا باعث کند شدن و کاهش بازدهی سودهای شما شود اما قطعا در میان مدت مانند چتر نجات شما را از نابودی در بازارهای ریزشی نجات می دهد و باید بدانیم اولویت اول هر سرمایه گذار باید حفظ اصل سرمایه باشد سپس کسب سود.

ادامه سندرم ها صفحه بعد





## سندرم کشتی نوح :

در بازار بورس ضرب المثل کلاسیک و معروفی وجود دارد :  
( ( تمام تخم مرغ ها را در یک سبد نچین )) .

این عبارت در اصل اهمیت تنوری پورتفولیو و کاهش ریسک غیر سیستماتیک به واسطه ی توزیع ریسک را نشان می دهد اما افراط در این توزیع و فرا رفتن از توزیع بهینه (اپتیموم) می تواند نتیجه ی معکوس و کاهش بازدهی سیستم و سبد را به دنبال داشته باشد.

سرمایه گذار ناشی و مبتدی با فرض اینکه هر چقدر تعداد سهام بیشتری داشته باشد ریسک کمتری را متقبل می شود اقدام به خریدهای کم حجم و پرتعداد سهام می نماید و سبدهش به جای یک پورتفو ، به یک کشتی نوح شباهت دارد.پروسه ی آنالیز و بررسی و رسیدگی به امور تک تک این سهام بسیار زمان بر می شود و عملا سرمایه گذار نمی تواند تسلط کافی بر پورتفو داشته باشد و بعد از مدتی بازدهی به شدت کاهش می یابد.از طرفی سرمایه گذارانی که پول کوچکی در اختیار دارند و تعداد سهام زیادی را می خرند کارمزد بیشتری نیز می پردازند زیرا کارمزد معاملات با ارزش کمتر از 500 هزار تومان حدودا دو برابر کارمزد حالت عادی می باشد.

به شخصه بنده برای توجیه این دسته از افراد برایشان یک مثال پرسشی می زنم :  
( ( رسیدگی و آبیاری 5 گلدان برای شما آسان تر و سریع تر است یا رسیدگی و آبیاری 30 گلدان؟! .. ))



## تجویز مربی معاملات :

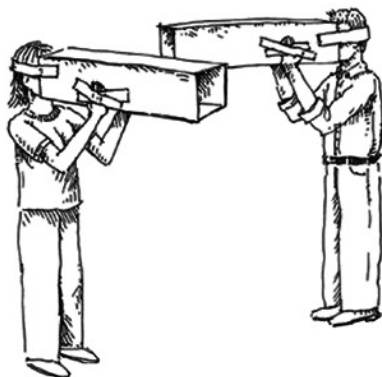
همیشه به یاد داشته باشید مدیریت پورتفو بر اساس سرمایه های مختلف ، متفاوت است. اگر فردی یک میلیون تومان سرمایه داشته باشد شاید بهترین و پر بازده ترین راه برایش تک سهم شدن در یک سهم مانند عرضه اولیه ها باشد ولی طبیعتاً فردی با سرمایه نسبتاً بزرگی مثل 500 میلیون تومان نیاز به افزایش تعداد سهام به منظور توزیع ریسک دارد و البته این تعداد نباید از یک حالت بهینه فراتر رود چون از نظر مراقبت اثر معکوس می گذارد. همیشه بر اساس ریسک پذیری و میزان سرمایه خود رویکرد مناسب برای سبد بستن انتخاب کنید. این پیدا کردن بالانس تعادلی و تعداد بهینه سهام داخل پورتفو می تواند بر اساس معیارهایی نظیر میزان حجم سرمایه ، ریسک پذیری و استراتژی فردی متفاوت باشد اما نباید از لحاظ تعداد افراط و تفریطی صورت گیرد چون موجب انحراف معیار از ریسک بهینه می شود.

اگر احساس می کنید به سندرم کشتی نوح مبتلا هستید به یاد داشته باشید اولین گام رهایی بخش شما کم کردن تعداد سهام داخل پورتفو می باشد. با تعداد سهام زیاد داخل سبد هیچ گاه لذت سودهای بزرگ تر و شیرین تر را تجربه نخواهید کرد.

ادامه سندرم ها صفحه بعد



## سندرم تعصب به سهم :



به طور واضح اگر بگوییم تعصب به جا در سایر قسمت های زندگی امری خوب و لازم است قطعاً در معاملات سهام این گونه نیست. افراد مبتلا به سندرم تعصب سهام ، اغلب فقط دنبال اخبار خوب و دلگرم کننده در مورد سهام خود می گردند و تاب هیچ گونه نظر مخالفی را برنمی آورند و فوراً در مورد نظر مخالف جبهه می گیرند. تنها کار این افراد این است که در رسانه های اجتماعی و مجازی دنبال گروه ها و افراد موافق نظر خود می گردند و در رسانه ها و گروه های طرفداران آن نماد بورسی عضو می شوند و طبیعی است قرارگیری در چنین محیطی باعث سرپوش گذاشتن و نادیده گرفتن فرد در برابر هرگونه خبر منفی واقعی می شود. این افراد عادت دارند هر چه بیشتر آن سهم نزول می کند بیشتر و بیشتر از قبل در آن باتلاق فرو می روند و فروشندگان آن سهم را عده ای احمق و دیوانه خطاب می کنند. آن ها به قدری در آن باتلاق خودساخته ی پر تعصب فرو می روند تا به دست خودشان در همان باتلاق سرمایه شان نابود می شود.

### تجویز مربی معاملات :

هیچ گاه از یک سهم به قدری سنگین خرید که عملاً ناخواسته دچار تعصب غیرارادی بشوید. همیشه در بازار این نکته را به یاد داشته باشید که احتمال واقعیت داشتن اخبار منفی هم هست و هیچ کس از اشتباه مبری نیست. سعی کنید تمام جوانب را بسنجید ؛ کسی که مخالف سهم شما حرفی می زند لزوماً دشمن شما نیست .

(( در بازارهای مالی همیشه افراد واقع گرا بیشتر از آرمان گراها دوام می آورند... ))



## سندرم فلج معاملاتی :



در بازار سهام متضررتر از کسانی که مدام در روند نزولی با خرید بیشتر به ضررهایشان اضافه می کنند (بدون اصول میانگین گیری) افرادی هستند که سهمی را می خرند سپس گیج و مبهوت فقط افت قیمت و کاهش ارزش پورتفوی خود را نظاره می کنند.

این افراد در بازارهای نزولی ممکن است کاهش سرمایه تا سرحد 50 درصد را نیز تجربه نمایند و بهتر است بدانید که برای جبران 50 درصد زیان نیاز به کسب 100 درصد بازدهی می باشد. با اطمینان می توان گفت در بازارهای راکد و نزولی حدود 70 درصد سبد نیمی از فعالان بازار دچار فلج معاملاتی می شود.

در این زمینه یک مطلب مختصر به نام ((پدیده ی تنگی سرمایه)) به قلم اینجانب منتشر شده است که مجدد آن را به طور خلاصه مرور می کنیم.

## پدیده تنگی سرمایه :

در بازار های سهام وقتی برخی سهام شما وارد زیان شود شما در برابر فروش مقاومت می کنید و بر عکس در هنگام سود به علت ترس از دست دادن سود حاصله زود معامله را میبندید و عملاً زیان های شما از سودهای شما بیشتر می شود. تا اینجای کار خطرناک نیست ولی تا سر حد اینکه از هر 10 معامله فقط 2 عدد وارد زیان شود در سیکل بعدی 10 خرید دیگر می کنید که 2 عدد از 10 تای جدید نیز به 2 عدد زیان قبلی افزوده می شود و در سیکل بعدی از 10 تا فقط 7 تا سود می کنید چون بالانس روانی بهم میریزد و 3 عدد زیان به 4 تای قبلی اضافه می شود و تا حدی این سیکل مرگ آور پیش می رود تا کل سرمایه شما رو بخواباند و عملاً زیانی بالای 40 درصد

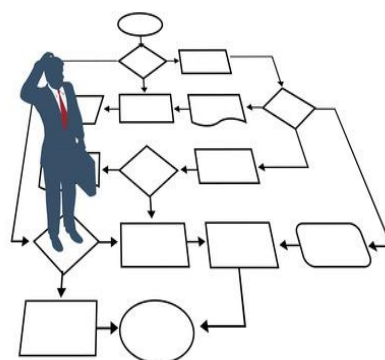


در سرمایه خواهید داشت . از دیدگاه مدیریت سرمایه زیان فقط 40 درصد نمی باشد بلکه زیان های روانی ، خواب سرمایه ، عدم نقدینگی برای فرصت های خرید طلایی پیش رو را نیز می توان به این قضیه اضافه نمود. ( تازه ایده آل ترین حالت معامله گری یعنی از 10 تا 8 تا سود در نظر گرفته شد) . اینجا به این نکته پی میبریم که در بازار های مالی همیشه تعداد فروش کمتر از تعداد خرید است و این طبیعی است اما نباید به این سیکل خودتکرارشونده اجازه داد تا سبد شما را به مرگی خاموش بکشاند و باید با در جریان انداختن و گردش حساب این رکود را از سبد برداشت چون عملاتی سرمایه باعث می شود بازدهی یک سبد 100 میلیونی برابر با یک سبد 10 میلیونی شود.

### تجویز مربی معاملات :

برای معاملات خود علاوه بر حد زیان قیمتی ، حد ضرر زمانی نیز قائل شوید. به یاد داشته باشید همیشه اولین ضرر، بهترین ضرر است زیرا از یک جا به بعد جبران ضررها امری غیر ممکن می شود. شما به ازای ننگه داری بیش از حد یک سهام در ضرر، هزینه های دیگری نظیر خواب سرمایه ، هزینه فرصت ، تشویش روحی و روانی و کاهش قدرت سرمایه را نیز می پردازید.

### سندرم پیچیدگی سیستم :



اکثر تازه واردان به بازار را این نشانه ها می توانند بشناسند : اکثر آن ها به دنبال منابع مطالعاتی و کتاب های مرجع جهت شروع به کار می گردند . اکثر تازه واردان عطش یادگیری تمامی اندیکاتورها و اسیلاتورهای تکنیکالی را دارند . بعد از مدتی به دنبال فراگیری تمام اصول ارزش گذاری قیمت سهام بنیادی شرکت ها و تمامی تئوری های کلاسیک بازار از فرمول گوردون گرفته تا نظریه شارپ می روند و در نهایت بعد از مدتی سرگردان از کلی نظریه که ممکن است

حتی بعضی از این مدل ها یکدیگر را نیز نقض کنند از خود می پرسند که چرا بعد این همه مدت یک استراتژی بهینه و مدون ندارم ؟

این افراد بعد از سپری کردن دوران مطالعاتی در خود اعتماد به نفس معامله کردن را پیدا می کنند و سپس با چهره ای حق به جانب و غره از اینکه مدل ها و نظریه های متفاوت را مطالعه نموده اند به استقبال بازار می روند. معمولاً در جلوی این افراد چندین لپ تاپ گوناگون همیشه باز است و تعداد زیادی اندیکاتور و اسیلاتور و چارت های تکنیکالی را مدام رصد می کنند و جالب اینجاست اگر برای یک سهم بیست اندیکاتور باز کنید ممکن است ده تای آن ها سیگنال خرید صادر کنند در حالی که ده تای دیگر دقیقاً برعکس سیگنال فروش همان سهم را بدهند و این فرد هر چه بیشتر پیش می رود کلاف سردرگمی اش به هم تنیده تر می شود زیرا هیچ گاه یک استراتژی فردی نداشته و همواره سعی در حال امتحان کردن سیستم های جدید است نه بهینه سازی سیستم فردی.

### تجویز مربی معاملات :

نوع در سادگی است. هیچ گاه با تعدد شاخه های فکری فراوان ، سیستم خود را کلاف سردرگم نکنید. یک استراتژی اشتباه فردی که به مرور زمان بهینه شود بسیار بهتر است از داشتن تعداد کثیری سیستم معاملاتی بدون هیچ سبک شخصی و مدام در حال تعویض. روحیه و شخصیت معامله گری خود را بشناسید و سپس بر اساس این روحیات مشخص کنید جزو کدام دسته از معامله گران از لحاظ زمانی دسته بندی می شوید. اغلب معامله گران بر اساس شخصیت معامله گری و میزان سرمایه تحت اختیار به چند دسته ی: معامله گران روزانه ( day traders ) ، معامله گران کوتاه مدت ( short term ) ، بلند مدتی ها ( long term ) ، موج سواران ( swing trader ) ، خریدارانی که قصد فروش ندارند یا به عبارتی سرمایه گذاران ارزشی ( buy & hold ) تقسیم بندی می شوند که بعضی از این تیپ ها زیر مجموعه یکدیگر نیز می باشند .

سپس بعد از آنکه سلیقه ی استراتژی زمانی خود را با توجه به میزان سرمایه تحت اختیارتان مشخص نمودید شروع به یادگیری مباحث مرتبط با آن استراتژی معاملاتی کنید. برای مثال موج سواران و معامله گران کوتاه مدتی با فراگیری مباحث تکنیکالی می توانند در تشخیص ورود و خروج های کوتاه مدت بسیار بهتر تشخیص دهند یا مثلاً سرمایه گذاران ارزشی





با یادگیری مباحث بنیادی و تئوری های نوین ارزش گذاری سهام در خریدهای خود موفق ظاهر شوند .

نباید فراموش کنیم این اصول تحلیلی زیر سایه ی مدیریت سرمایه ی صحیح و روانشناسی بازار می تواند موثر واقع شود چون  
( ( بازار در دستان معامله گران خوب خواهد بود نه تحلیلگران خوب. ) )

### سندرم انتقام از بازار :



وقتی سهمی را می خرید اگر قیمت آن سهم رشد نماید احساس لذت و اعتماد به نفس بیشتری دارید اما موضوع از جایی خطرناک می شود که سهم شما وارد زیان می شود و دچار تشویش خاطر و عدم ثبات روانی می شوید . حد ضرر شما شکسته می شود اما نمی فروشید و قیمت مدام پایین تر می رود و با خود می گوئید مگر تا چه قیمتی می خواهد بریزد ؟ سهم آن قدر ریزش می کند و درجا می زند که شما کلافه می شوید و آن را می فروشید ، سپس اگر آن سهم رشد نماید در جهت انتقام از بازار به آن سهم در مثبت ها و قیمت بالا حمله می کنید اما این بار نیز بازار روی بد ورق را به شما نشان می دهد و سهم ریزش می کند . یعنی دو شکست متوالی از یک سهم. اینجا دیگر هدف شما سود کردن نیست بلکه جبران آن ضرر و رسیدن به اصل پول خودتان می باشد اما باید خیلی رک به شما بگوئیم که چیزی ارزشمندتر از سرمایه تان را از دست داده اید و آن چیزی نیست جز بالانس روانی و خویشتن داری.

معمولا افراد مالباخته نه تنها در بازارهای مالی بلکه در سایر بازارها نیز وقتی وارد یک شکست یا زیان بزرگ می شوند به جای کنترل و مدیریت بحران ، بدتر با روش های غیر اصولی در این باتلاق زیان دست و پا می زنند و بیشتر فرو می روند.

فردی که خودروی گران قیمتش تصادف کرده و فاقد بیمه بدنه بوده است ، به دنبال راهی است تا بتواند یک بیمه صوری تهیه کند و عاقبت ممکن است به جرم فریب قانون مشکلتش دوتا شود یا



مثلا فردی که در تجارت شکست خورده است و بدهکار شده به جای مدیریت بحران سعی در گرفتن اعتبارات و وام های بهره سنگین می کند تا فقط این زیان را در کوتاه مدت جبران کند ولی مشکلش دوتا می شود. سهامداری که در یک سهام ضرر کرده اصرار می ورزد که حتما باید از این سهام سود بگیرم تا انتقام زیان خود را از آن سهم و از بازار گرفته باشم اما زیانش به خاطر انتقام احساسی بیشتر می شود یا مثلا فردی که در یک رابطه احساسی شکست خورده است و برای فراموشی خیلی راحت حاضر به شروع هر رابطه ای بدون شناخت قبلی بشود. در زندگی، خانواده و اطراف خود همواره افرادی را می توانید مشاهده کنید که دچار یک زیان یا شکست می شوند و راه های انتقامی و احساسی آن ها نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه به مشکلات بیشتر نیز منجر می شود.

سندرم انتقام از بازار خود نیز زیر شاخه ای از یک حیطة ی روانشناختی بزرگتر است که ریشه در رفتارشناسی انسان ها دارد.

کم نیستند افرادی که با مشاهده ریزش صف های خرید با سرمایه ی اندک خود سعی در جلوگیری از این ریزش صف و مقاومت کردن دارند و بازار به راحتی از روی آن ها رد می شود، کم نیستند افرادی که سهمی را می خرند و به جای منتظر بودن تا رسیدن به هدف یا حد ضرر با کوچکترین ریزش قیمتی مدام به حجم خرید قبلی خود می افزایند و عملا به جای پله زدن اصولی تمام سرمایه شان بند می شود و یا افرادی که در یک سهم زیان دارند و این زیان برایشان قابل هضم نیست و اصرار به جبران آن زیان در همان روز، در همان سهم یا سهمی دیگر دارند و در نهایت مشکل به جای یک مورد تبدیل به چند مورد می شود. این ها تماما مثال هایی بود از یک فرد مبتلا به سندرم انتقام از بازار...

### تجویز مربی معاملات :

با بازار دوست باشید، با روند نجنبید، با ریزش قیمت ها و نمودارها پنجه در پنجه نشوید. هر معامله گر علاوه بر مدیریت میزان سرمایه و نقدینگی باید سطح بالانس روانی خود را نیز در حد مطلوب و شرایط ایده آل حفظ نماید. وقتی شما در سهمی دچار زیان می شوید کمی از بالانس روانی خود را از دست می دهید و اگر در سهم دوم نیز زیان متوالی کنید به شدت آسیب پذیر می شوید تا سر حد اینکه امکان هر گونه معامله ی احمقانه حتی از یک معامله گر ایده آل در چنین شرایطی افزایش می یابد.



پس از هر شکست تلخ ، مدتی از بازار فاصله بگیرید . هیچ گاه با سرمایه اندک خود سعی در حرکت قیمت سهم و بازار نکنید چون معمولا بازارها بزرگتر از تصور شماست و این تخصص را بسپارید به همان بازارسازها و بازیگران سهم.

جواب یک معامله ی تلخ را با یک معامله ی احساسی تلخ دیگر ندهید و بعد از هر اشتباه از انجام هرگونه معامله ی فوری خودداری کنید ، زیرا آقای بازار همیشه آماده ی تنبیه سرتق های بازار است...



### سندرم کمال گرایی:

یک فرد کمال گرا دقیقا چه ویژگی هایی دارد؟ معامله گر کمال گرا چه شخصیتی است؟ کمال گرایی یکی از معضلاتی است که اتفاقا به قشر نیمه حرفه ای نسبت به تازه واردان بیشتر آسیب می زند. کمال گراها همه چیز را کامل و بدون نقص می خواهند ولی در واقعیت چنین چیزی میسر نیست و این مقاومت و اینرسی در برابر پذیرش واقعیت می تواند آسیب های جدی در درازمدت به فرد برساند.

افرادی که اصرار دارند حتما سهام را در کف تاریخی بخرند و حتما در قله نیز ذخیره سود بنمایند نیز گرفتار سندرم کمال گرایی می باشند زیرا بر اساس یک مثل معروف تنها یک دسته از افراد وجود دارند که سهام را دقیقا در کف می خرند و دقیقا در قله نیز ذخیره سود می نمایند و آن ها دروغ گوها نام دارند.

شاید بارها برای شما نیز پیش آمده باشد در سهمی برای مثال دو میلیون تومان در سود بوده اید و سپس سود شما به یک و نیم میلیون تومان کاهش یافته است و شما به خاطر این که قبلا امکان فروش تا دو میلیون سود را نیز داشته اید به سود کمتر دیگر راضی نشده اید و همین طور این سود رفته رفته کمتر شده تا به صفر رسیده و گاهی حتی تبدیل به زیان شده است. در این موارد باید به دنبال ردپایی از کمال گرایی غلط و عدم پذیرش اشتباه در شخصیت معامله گری خود باشید.



کمال گراها به دلیل آنکه همه چیز را دقیقا در بهترین و آرمانی ترین شرایط می خواهند ، در بسیار از موارد دچار تعصب بیجا ، عدم پذیرش اشتباه ، و داشتن دید آرمان گرا به جای دید واقع بینانه می شوند. آن ها همه چیز را کامل می خواهند و حاضر به سود کمتر و مطمئن تر نیستند. تحقیقات نشان داده افرادی که در هر زمینه ای کمی دانش و تخصص کسب می نمایند در ابتدا به شدت اعتماد به نفس کاذب دارند که نهایتا منجر به کمال گرایی می شود و این رفتار به صورت افزایش حجم معاملات و ریسک های غیر منطقی در این افراد بروز می نماید، اما فردی که واقعا حرفه ای باشد و مدت زیادی را در بازار سرد و گرم چشیده باشد هیچ گاه پا را از اصول خویش فراتر نمی گذارند و کمتر دچار تورش و سوگیری (bias) می شود. نظریه دانینگ – کروگر و منحنی معروف آن دقیقا نشان دهنده این نکته است که هر گاه تخصص کمتری در یک رشته داشته باشید احتمال اعتماد به نفس کاذب بیشتر می شود و بالعکس هر چه واقعا تخصص بیشتری داشته باشید اعتماد به نفس کاذب کمتری دارید.

### تجویز مربی معاملات :


قبل از شروع هر معامله ای در بازارهای مالی این نکته را بدانید که شما در فضایی مبتنی بر احتمالات وارد شده اید و قرار نیست دقیقا تمام پیش بینی های شما درست باشد، وظیفه اصلی شما مدیریت این موقعیت ها بر اساس احتمالات قوی تر می باشد. اگر در معامله ای دچار اشتباهی شدید به جای سوگیری و گارد گرفتن در برابر آن اشتباه سعی در پذیرش منطقی این قضیه داشته باشید و اگر به این مرحله رسیدید یعنی تا اینجا نصف موفقیت در بازارهای مالی را تضمین کرده اید .

هیچ گاه خود را مجاب به فروش در دقیقا قله ترین نقاط و خرید در پایین ترین نقاط نکنید چون ممکن است سهم درست قبل از این نقاط برگردد و شما از خرید یا فروش آن سهم جا بمانید . اگر در معامله ای دچار اشتباه شدید خود را سرزنش نکنید و بیشتر به علت این موضوع توجه داشته باشید به جای ملامت که بدتر باعث کاهش عزت نفس معامله گری شما می شود .

آگاه باشید که اشتباه جزئی از بازار است و در بازار مطلق وجود ندارد .

پایان

ارتباط با نویسنده :

 @mohamad\_haghverdi

 mh.haghverdi@gmail.com



abcBourse.ir



@abcBourse\_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر :



abcBourse.ir



@abcBourse\_ir

مرجع آموزش بورس 

بازنشر: